



## جایگاه سنت و مدرنیته در آثار و اندیشه داریوش شایگان قبل از انقلاب اسلامی ایران

احسان ابوبی ۱

### چکیده

در این نوشتار درصدد بررسی مفهوم سنت و مدرنیته در اندیشه داریوش شایگان بر اساس ترکیبی از روانکاوی جمعی «کارل گوستاو یونگ» و نظریه هرمنوتیک «هایدگر» خواهیم بود که مبنای احیاء معنویت شرقی در مقابل سطره مدرنیته بر فرهنگ‌های غیروپایی است. بر اساس این استدلال هرمنوتیک درصدد تأویل و تفسیر متن و توضیح روند فهمیدن هستند. هرمنوتیک سنت تفکر و تأملی فلسفی است که می‌کوشد مفهوم فهمیدن را روشن کند و به این پرسش پاسخ دهد که چه چیزی سازنده معنای هر چیز معنادار است. از این رو در حوزه‌هایی مانند فلسفه، الهیات، نقد ادبی، علوم اجتماعی و فلسفه علم شاهد کاربرد روزافزون هرمنوتیک و مباحث مربوط به آن هستیم. «داریوش شایگان» از جمله معدود اندیشمندان و روشنفکران در ۵ دهه اخیر در ایران است که هم‌عصر با روشنفکرانی همچون «سید حسین نصر»، «رضا داوری اردکانی»، «داریوش آشوری»، «احسان نراقی» و... است و ویژگی‌های منحصر به فردی که شایگان دارد، وی را از هم‌عصران خود متمایز می‌کند. از مباحث مهم و کلیدی در آثار شایگان و روشنفکران هم‌عصر خود می‌توان به مسئله سنت و مدرنیته در مواجهه شدن مردم ایران با این مسئله اشاره کرد. این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش است که سنت و مدرنیته چه تأثیری در اندیشه شایگان داشته است؟ فرضیه مطرح این است که آیا اندیشه‌های شرقی و غربی موجب خودآگاهی و روشنگری شایگان نسبت به غرب‌ستیزی و سنت‌گرایی شده است.

**واژگان کلیدی:** سنت، مدرنیته، داریوش شایگان، غرب‌ستیزی، شرق

شماره ۱ (۲۴)

سال ۹  
بهار ۱۴۰۱

مقاله علمی

تاریخ دریافت:  
۱۳۹۹/۰۸/۱۶  
تاریخ پذیرش:  
۱۴۰۲/۰۴/۰۴  
صص: ۳۸-۵۵



DOI: 10.2783.4999/PRIW.2022.1125.1.24.2

## مقدمه

بحث سنت و مدرنیته یکی از مباحثی است که در سده‌های اخیر به‌طور جدی ذهنیت جامعه نخبه ایرانی را درگیر خود کرده است. «سنت» در لغت به معنی راه، روش، سیره و عادت به کاررفته است. معادل انگلیسی آن «ترد<sup>۱</sup>» در فرهنگ‌های لغت به معنای ورزیدگی، شیوه و کردار نیز به کاررفته است و در انگلیسی قدیم از «ترد<sup>۲</sup>» در معنای انتقال دادن و واسپاری کردن نیز استفاده می‌شده است. در یک معنی گسترده، معنای «انتقال دادن» (از چیزی به چیزی دیگر یا از نسلی به نسل دیگر و...) را برای واژه سنت، مترتب شد (صادق پور، ۱۳۹۶). با ورود دستاوردهای نوین زندگی مدرن و الزامات آن، هویت سنتی و یکپارچه جامعه ایران دستخوش تهدیدات و تغییرات قرار گرفت و این تغییرات، تحولات و مسائلی را متوجه جامعه ایران کرد. اروپا که با رنسانس جامه نو به تن کرده، تغییرات اساسی مثل رشد شهرنشینی، گسترش و توسعه علوم جدید، پدید آمدن نهادهای جدید اجتماعی، سیاسی و آموزشی، توجه به آزادی‌های فردی و ... را در پی داشت و این تغییرات قدرت نظامی و اقتصادی دولت‌های اروپایی را دوچندان کرد و باعث شد که به کشورهای آسیایی گوشه چشمی داشته باشند بر آنان تسلط پیدا کنند و منابع آنان را به یغما ببرند. بررسی و مطالعه پیچیدگی‌ها و ابعاد متنوع و متعدد اندیشه وی را تنها می‌توان به مدد بررسی سیر تحول حیات فکری و معنوی او درک و تفسیر کرد و به همین دلیل هم برای فهم بهتر اندیشه شایگان مطالعه زندگی وی ضروری به نظر می‌رسد. چراکه شایگان را نمی‌توان بیرون و منفک از تحولات سیاسی جامعه ایران و تجربه‌های فردی و جمعی در تقابل سنت و تجدد در جامعه ایران شناخت.

داریوش شایگان متفکر، اندیشمند و هندشناس ایرانی در چهارم بهمن‌ماه ۱۳۱۳ در تهران چشم به جهان گشود (فلسفلی، ۱۳۹۶: ۴۰۵). پدرش (محمد رحیم) و پدر بزرگش شیعه از تجار آذربایجان (سلماس و تبریز) بودند (فراست خواه، ۲۳ خرداد ۹۸). مادرش به نام «اباشیدزه باگراتیون» نام داشت و از یک خانواده اشرافی و قدیمی گرجی و اصالتاً باطومی (شایگان، ۱۳۹۶: ۸) و متعلق به فرهنگ روسی (روسی - قفقازی) و زبان اصلی‌اش گرجی بود و به زبان‌های روسی و ترکی عثمانی مسلط بود و سنی مذهب بود. پرستار خانگی آن (دایه) روسی بود. معلم موسیقی و زبان، ارمنی و پزشک

1 Trade  
2 trader

### جایگاه سنت و مدرنیته در آثار و اندیشه داریوش شایگان قبل از انقلاب اسلامی ایران

خانوادگی زرتشتی بود. راننده آنان آشوری. شایگان زبان فرانسه را هم در کودکی یاد گرفته بود (فراست خواه، ۱۳۹۸). شایگان از کودکی در مدرسه فرانسوی (سن لویی) در تهران گذاشتند؛ مدرسه‌ای که به دست کشیشان لازاری اداره می‌شد. در همین مدرسه بود که شایگان آهسته آهسته با نمودها و بنیان‌های تمدن مدرن آشنا شد (ارشاد، ۱۳۹۸).

پدر شایگان، وی را از ۱۵ سالگی به انگلستان فرستاد و دوران دبیرستان خود را در «کالج بادینگهام» سپری کرد و در سال ۱۳۳۳ به دانشگاه ژنو<sup>۱</sup> رفت تا رشته پزشکی بخواند، اما زود تغییر رشته داد و به تحصیل فلسفه و علوم سیاسی پرداخت (بروجردی، ۱۳۷۷: ۲۲۱) و درعین حال با فراگیری زبان سانسکریت، تحصیلات خود را در دانشگاه سوربن درباره آیین هند و تصوف بارهنمایی «هانری کرین»<sup>۲</sup> ادامه داد و موفق شد دکترای مطالعات هندی و فلسفه تطبیقی را اخذ کند (قرلسفلی، ۱۳۹۶: ۴۰۵). پدر وی اصرار داشت که با پسرش فارسی سخن بگوید. همچنین شایگان در مدرسه فرانسوی زبان کاتولیک «سن لوئی»<sup>۴</sup> تهران که از سوی کشیشان لازاری اداره می‌شد، زبان فرانسوی آموخت. شایگان قبل از سفر به غرب و یولون می‌نواخت. در غرب با انواع موسیقی‌ها جدید آشنا شد. داریوش سخت اهل مطالعه بود و به گفته خودش «هرچه دستش می‌رسید می‌خواند»؛ زبان انگلیسی را در کلاس زیر نظر معلم سرخانه یاد گرفت و برای آشنایی با ادبیات ایران و خواندن گلستان سعدی هم معلم سرخانه داشت.

وی در سال ۱۳۲۹ در نخستین سفر خود، به ایتالیا و سپس سوئیس رفت و سرانجام رهسپار پاریس شد. پس از این سفر، شایگان بدون به پایان رساندن دبیرستان در ایران و در پانزده سالگی رهسپار انگلستان شد. سپس پس از چهار سال به ژنو رفت تا پزشکی بخواند. اما پس از یک‌ترم انصراف داد و به شناخت بیشتر علوم انسانی، هنر و ادبیات پرداخت. او از همان زمان به تمایزات تمدنی اروپا با وضعیت ایران توجه داشت. به گفته خودش هر بار تعطیلات تابستانی که به ایران می‌آید بیشتر به

1 Badingham College

2 University of Geneva

3 Henry Carbone

4 Saint Louis

### نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

«عقب‌ماندگی» کشورش پی می‌برد و در هر سفر به ایران «قسمتی از خود و کشورم را کشف می‌کردم» (شایگان، ۱۳۹۷: ۱۱۳).

زندگی پرفراز و نشیب داریوش شایگان و تجربه‌های فکری و معرفتی متنوعی که او در طول حیات خود با آن مواجه بود از او روشنفکری منحصر به فرد ساخته است. شایگان جزء معدود متفکران ایرانی است که اندیشه‌ای فراتر از جغرافیای فکری و فرهنگی ایران دارد و بی‌شک او را می‌توان فیلسوفی جهان‌وطن با خاستگاه فکری و فرهنگی ایرانی تلقی کرد. دانش و مطالعات وی که از ادیان هندی تا فلسفه‌های کلاسیک و مدرن و پست‌مدرن غربی تا عرفان اسلامی و ادبیات و رمان مدرن غربی دایره گسترده‌ای را شامل می‌شود.

زندگی شایگان و تجربه‌های شخصی وی و همچنین آشنایی او با چندین زبان و همچنین هم‌نشینی و مرادده وی با انسان‌های متنوع و مختلف از او یک متفکر چندرگه و چند فرهنگی ساخته است. در ضمن تجربه تحولات فکری و چرخش‌های نظری این فیلسوف بزرگ نشان‌دهنده شجاعت وی در نقد اندیشه‌ها و باورهای قبلی خود است و همین موضوع از او اندیشمندی به‌روز و پویا ساخت. شایگان تا سال‌های پایانی عمر خویش همچنان به تفکر و پژوهش و نوشتن اشتغال داشت و هرگز برای شناخت و درک مناسبات فکری و فلسفی و فرهنگی جهان پیرامون خود دست از تلاش برنداشت.

#### ۱- پیشینه تحقیق

در خصوص پیشینه تحقیق می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

نام اثر	نویسنده/ نویسندگان	مشخصات	سال
قرن روشنفکران	محمدتقی قزلسفلی	مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها با همکاری انتشارات هرمس تهران	۱۳۸۰
کیستی ما از نگاه روشنفکران ایرانی	حسین کاجی	تهران انتشارات روزنه	۱۳۷۸

## جایگاه سنت و مدرنیته در آثار و اندیشه داریوش شایگان قبل از انقلاب اسلامی ایران

۱۳۸۹	پژوهشگاه علوم سیاسی	محمدتقی قزلسفلی و سکینه معاض ثانی	ایران فرهنگی در اندیشه داریوش شایگان
۱۳۹۰	مرکز مطالعات فرهنگی	اسدالله اطهری	هویت، توسعه و مدرنیته در اندیشه شایگان

اما در این مقاله پیش رو بر آن هستیم تا اندیشه داریوش شایگان را به عنوان یکی از روشنفکران عصر حاضر در قبل از انقلاب اسلامی در حوزه سنت و مدرنیته مورد بررسی قرار بدهیم.

### ۲- روش جمع آوری داده‌ها

در خصوص جنبه جدید و نوآوری تحقیق نیز تاکنون در خصوص ابعاد سیاسی اندیشه شایگان (آن گونه که در سؤال و فرضیه این تحقیق آمده است) کار خاصی صورت نگرفته است. در این مقاله، روش گردآوری داده‌ها روش اسنادی است. ابزار جمع آوری اطلاعات در روش اسنادی، همه اسناد چاپی همانند کتاب، دایره‌المعارف‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها، مجلات، روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، لغت‌نامه‌ها، مصاحبه‌های چاپ‌شده، پژوهش‌نامه‌ها، کتاب‌های همایش‌های علمی، متون چاپی نمایه شده در بانک‌های اطلاعاتی و اینترنت و هر منبعی که به صورت چاپی قابل شناسایی باشد که در بردارنده مطالبی درباره داریوش شایگان باشد. نتیجه اینکه نقد سنت (جهان‌بینی شرقی) و مدرنیته (جهان‌بینی غربی) و پاسخ به آن از مهم‌ترین دغدغه‌های شایگان می‌باشد.

### ۳- ورود مدرنیته به ایران

ورود مدرنیته در ایران ابتدا به‌طور جسست و گریخته از زمان صفویه شروع شد؛ ولی اروپاییان نتوانستند به‌طور کامل مسلط شوند و نقطه اوج آن به دوران قاجار برمی‌گردد. در دوره قاجار مراودات آنان تنها و صرفاً در حوزه سیاسی و نظامی نبود، بلکه در حوزه‌های دیگر مثل اقتصاد و اجتماع هم نمود پیدا کرد. از جمله نخستین اقدامات جهت آن دستاوردهای نوین در زمان فتحعلی شاه قاجار بود که با فرستادن دانشجو به فرنگ و سپس بازگشت آنان به کشور برخی از افکار و تحولات نو و جدید را در کشور با خود به ارمغان آوردند. به این ترتیب پای تجدد و مدرنیته به

کشور باز شد و چالش‌هایی را برای این کشور کهن در پی داشت و تاکنون هم ادامه دارد (قنبری، ۱۳۷۹). برای حل این چالش بسیاری از متفکران و روشنفکران ایرانی به نظریه‌پردازی پرداختند از جمله آنان می‌توان به داریوش شایگان اشاره کرد که در مقطعی خواستار بازگشت به سنت و هویت شرقی و نقد هویت مدرن و مدرنیته بود. وی تا قبل از انقلاب اسلامی با تکنولوژی و مدرنیته در تضاد بود، اما پس از انقلاب اسلامی و مشاهده تحولات و تجربه آن، توجه نقادانه به مدرنیته و غرب داشت.

#### ۴- اندیشه فکری شایگان

شایگان متفکری است با ریشه‌های فکری متنوع که درک ادبیات فکری وی مستلزم شناخت مبانی و منابع فکری و فلسفی تأثیرگذار بر وی است. او از یک سو شیفته میراث عرفانی و معنوی شرق است و از سوی دیگر به فرهنگ غربی و مبانی آن تسلط کامل دارد. شایگان با ارائه سنتزی از تفکر انتقادی هایدگری به مدرنیته و بازتعریف میراث معنوی شرق با هرمنوتیک فلسفی هایدگر است. البته گرایش فکری شایگان ترکیبی از روانکاوی جمعی یونگ و هستی‌شناسی هایدگر است که مبنای احیاء معنویت شرقی در مقابل سیطره مدرنیته بر فرهنگ‌های غیر اروپایی است. شایگان در دوره‌های بعدی حیات فکری خود با تأثیر از تحولات سیاسی و فرهنگی ایران مجبور ترک ایران و سکونت در فرانسه شد و ذهنش در این دوره دستخوش تحولات زیادی شد و رویکرد وی نسبت به مدرنیته و میراث جهانی آن تغییر کرد. شایگان با الهام از کثرت‌گرایی هستی‌شناختی «ژیل دلوز»<sup>۱</sup> گرایش به کثرت‌گرایی فرهنگی پیدا کرد و با استفاده از نظریه ریزوماتیک دلوز سعی در ارائه رویکردی ترکیبی میان فرهنگ معنوی شرق و میراث فرهنگی مدرنیته در گستره جهانی داشت (عابدی جعفری و رستگار، ۱۳۸۶: ۱۱۸).

نگاه مستشرقین، شرق را جزئی و پاره‌پاره می‌بیند درحالی‌که شرق به‌مثابه یک کل فرهنگی است و به‌رغم تنوع قومی و استقلال سیاسی اجزاء، دارای مفهوم واحد است. براساس مدارک باستان‌شناسی، جامعه بزرگ شرق دارای فرهنگ مشترک و واحد است و تفاوت‌ها و تضادهای آن از جمله مسایل درونی یک جامعه بزرگ و واحد محسوب می‌شود.

<sup>۱</sup> Gilles Deleuze

## جایگاه سنت و مدرنیته در آثار و اندیشه داریوش شایگان قبل از انقلاب اسلامی ایران

اولین و مهم‌ترین ویژگی جوامع شرقی دین‌داری و اعتقاد به غیب است که در برخلاف جوامع غربی پس از دوره رنسانس تحت تأثیر تجربه‌گرایی و اصالت تجربه به محاق نرفته و به صورت امری غیرمهم درنیامده است. در تمدن شرق برخلاف غرب نگرش‌های خدامحوری با اندیشه‌ها و افکار انسان شرقی عجین بوده است و مانع بروز نگرش‌های انسان‌گرایی شده است. مشرق زمین مهد تمدن‌ها و ادیان بزرگ بوده است؛ این اعتقاد مشهوری است که در منابع متعدد تاریخی، باستان‌شناسی و فرهنگی به آن تصریح شده است. قلمرو جغرافیایی شرق از شمال آفریقا تا سند و از آسیای مرکزی تا اقیانوس هند را در برمی‌گیرد، لیکن مفهوم شرق هنوز تلقی واحدی ندارد و نقاط اشتراک ساکنان این سرزمین روشن نیست (جوادی، ۱۳۹۲: ۳). شایگان هم اندیشمندی بود که از پنجره شرق و بخصوص معنویت ایرانی به جهان می‌نگریست. در معنای هویتی برای شایگان «ایرانی بودن و درعین حال ایرانی نبودن» جهان زیست‌فکری و معنوی خاصی را به خود می‌پنداشت. توجه به معنویت جزء لاینفک اندیشه و باور شایگان در تمام دوره‌های حیات فکری او باقی ماند و شایگان همواره متفکری بود معنوی و علاقه‌مند به معنویت و بخصوص میراث معنوی شرق که برآمده از سنت‌های عمیق و پیچیده مذهبی و عرفانی شرق بودند.

یکی دیگر از مهم‌ترین ارکان فکری شایگان که در درک او از میراث شرقی مؤثر است، رویکرد یونگی به مفهوم اسطوره و ناخودآگاه جمعی است. ناخودآگاه جمعی مهم‌ترین دست‌آورد یونگ در عرصه روان‌شناسی اعماق به شمار می‌آید. او ناخودآگاه جمعی را اقیانوسی ژرف می‌شمارد که خودآگاهی بر فراز آن به زورقی ناچیز می‌ماند. یونگ معتقد بود که: «ناخودآگاه شخصی بر یک لایه عمیق‌تری تکیه دارد که اکتسابی و شخصی نیست؛ بلکه ذاتی و فطری است. این لایه عمیق‌تر را ناخودآگاه جمعی می‌نامم. از این رو، نام جمعی را برای آن انتخاب کرده‌ام، زیرا بخشی از ناخودآگاه جهانی است که با روح شخصی فرق می‌کند (Jung, 1960: 3-4). یونگ معتقد است ناخودآگاه جمعی که در عمیق‌ترین سطح روان جای دارد، برای فرد ناشناخته است؛ زیرا نه فرد خود او را کسب می‌کند و نه حاصل تجربه شخصی اوست، بلکه فطری و همگانی است و برخلاف روان فردی، برخوردار از محتویات و رفتارهایی است که کم‌وبیش در همه‌جا و همه‌کس یکسان است. از این رو ناخودآگاه جمعی زمینه مشترکی را تشکیل می‌دهد که دارای ماهیتی فوق فردی است و در هریک از ما وجود دارد (یونگ، ۱۳۶۸: ۱۴۹). شایگان به شدت متأثر از آراء یونگ درباره

ناخودآگاه جمعی و خاطره قومی است. به زعم وی مراد از خاطره قومی خاطره‌ای است که به سنت تعلق دارد و این در اختیار فردی خاص نیست، بلکه جنبه جمعی دارد و چون خاطره قومی هر ملت خواه نا خواه علم انساب او نیز است و ارتباط او را با وقایع ازلی و اساطیری حفظ می‌کند، می‌توان آن را خاطره ازلی نیز نامید (شایگان، ۱۳۵۵: ۵۳).

بینش اسطوره‌ای موردنظر شایگان او را به سمت درک سنت بر مبنای خاطره ازلی (ناخودآگاه جمعی) در شرق سوق می‌دهد. خاطره ازلی برای او همان سنت و فرهنگ‌هایی است که دچار هجمه مدرنیته و مقهور آن شده‌اند و آنچه به بازیابی این فرهنگ‌ها در زمانه مدرن فرصت ادامه حیات و شکوفایی می‌دهد تجدد فرهنگی است. در این تقابل دوتایی خاطره ازلی / تجدد فرهنگی، شایگان تجدد فرهنگی را کنار می‌گذارد و افکار خود را معطوف بازپرداختی از هویت فرهنگی سنتی می‌کند (حق‌دار، ۱۳۸۵: ۵۲).

شایگان یکی از افرادی بود که در جلسه‌های فردیدی شرکت می‌کرد و آن جلسه‌ها را آزمایشگاه زنده پریشانی و تشویشی می‌داند که در آن زمان بر خاطرها حکومت می‌کرد. به هر ترتیب وی از ناحیه فردید با افکار هایدگر آشنایی پیدا کرد و بازگشت به غرب را در برهه‌ای از زندگی‌اش از مجرای هایدگر تجربه کرده است. شایگان در دوره‌های بعدی حیات فکری و فلسفی خود از نگرش تجدد ستیزانه هایدگری فردید فاصله گرفت و حتی بعدها او را چنین وصف کرد: «آشوب‌گری مادرزاد»، با «جرقه‌هایی از نبوغ و کینه‌ای عمیق»، زنده «بهتان‌های مودیانانه و زهر آگین به اشخاص» و محفل او همان «مظلّمه بغض و عداوت و آتش‌فشان احساسات» است (شایگان، ۱۳۷۶: ۷۸-۷۹). البته تفسیر هایدگری از شرق و غرب در اندیشه شایگان صرفاً محصول مباحثات وی با سید احمد فردید نبود بلکه تأثیرپذیری شایگان بی‌شک از هانری کربن فیلسوف فرانسوی در گرایش به مارتین هایدگر انکارناپذیر است. کربن به شدت تحت تأثیر آموزه‌های فکری و فلسفی هایدگر بود و از سوی دیگر سهم او در شناساندن هایدگر به فرانسوی‌ها نیز بر کسی پوشیده نیست. چراکه کربن نخستین مترجم آثار مارتین هایدگر به فرانسوی است. اما آنچه کربن را متفکری جذاب‌تر می‌کند این است که شناخت ما ایرانیان از هایدگر نیز در آغاز و تا سال‌ها از فیلتر کربن می‌گذشت. او بخشی از عمر خود را در ایران و خاورمیانه زندگی کرد.



## جایگاه سنت و مدرنیته در آثار و اندیشه داریوش شایگان قبل از انقلاب اسلامی ایران

تأثیرگذاری کربن بر شایگان به حدی بود که به بیان سید جواد طباطبایی پژوهشگر ایرانی، شایگان ایده‌های کربنی - هایدگری را در فرهنگ ایرانی نمایندگی می‌کند (طباطبایی، ۱۳۸۱). تعلق شایگان به حلقه پیرامون کربن، چنان بود که دو سال پیش از انقلاب او را مردی با چراغ جادو نامید و پس از انقلاب از او چوپیری سخن گفت که سرآغاز جنبش معنوی برای پل زدن میان ایران سنتی و تجدد بود (شایگان، ۱۳۹۷: ۳۹). شهریور سالی که انقلاب در ایران در حال خیز برداشتن بود، شایگان بر بستر دارنده چراغ جادو حاضر شد، درحالی که می‌دانست: «مرگ قریب‌الوقوع کربن هم‌زمان با پایان یک جهان» خواهد بود (شایگان، ۱۳۹۷: ۵۵-۶۵).

### ۵- علاقه شایگان به فرهنگ و جامعه هند

شایگان به‌وسیله «ژان هربر<sup>۱</sup>» با استادان هند آشنا شد و سپس به مدت دو سال به کلاس‌های زبان سانسکریت هانری فرای رفت. در بازگشت به تهران با «برهمن ایندوشکر<sup>۲</sup>»، استاد زبان سانسکریت دانشگاه تهران، آشنا شد. او دو سال و نیم نزد او زبان سانسکریت و ادبیات هند خواند. با تلاش برهمن ایندوشکر، زمانی که می‌خواست ایران را ترک کند، شایگان تدریس سانسکریت در دانشگاه تهران را در ۲۵ سالگی آغاز کرد. در همان زمان به واسطه سید حسین نصر با هانری کربن آشنا شد و پژوهش گسترده‌ای درباره فلسفه هندی آغاز کرد که در سال ۱۳۴۶ در قالب کتابی دوجلدی با عنوان ادیان و مکتب‌های فلسفی هند منتشر کرد. او پیش از انتشار این کتاب یک دوره «استغراق و مراقبه» را پس از اقامت در ژنو در ایران گذرانده بود. شایگان از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۵ پژوهش‌های خود را درباره فلسفه هند آغاز و با پژوهش تطبیقی درباره اسلام و هند به پایان رساند و به‌زعم وی: «هند سرزمین عجایب است و این عبارت سخنی گزافه آمیز و دور از واقعیت نیست، زیرا کلیه مراتب و سطح‌های مختلف فرهنگ بشریت از اعتقادات ابتدائی پرستش درخت و آب گرفته تا غور و بررسی در کیفیت یگانگی وجود در آن سرزمین به موازات یکدیگر وجود دارند و هم‌زیستی می‌کنند و در عصری که هنوز برخی از دهقانان هندو مشغول پرستش مار و درخت‌اند و آن بدون شک از نیاکان بومی و غیر آریایی خود به ارث برده‌اند، نهضت «عدم آزاد» گاندی که از سنن کهن

1 Jean Herber

2 Brahmin Indoshekar

اخلاقی هند سرچشمه می‌گرفت، بزرگ‌ترین عبرت را به بشریت آموخت و استقلال هند را از راهی که برای دنیای امروزی تصور آن نیز دشوار است، به دست آورد.» (شایگان، ۱۳۴۵: ۵).

دوران جدی فعالیت‌های آکادمیک داریوش شایگان از میانه دهه ۱۳۳۰ شمسی و از هنگام تحصیل در ژنو آغاز می‌شود و تا اواخر دهه ۱۳۴۰ به طول می‌انجامد. فعالیت‌های اصلی فکری او در این دوران ترکیبی از تفحص در وجوه مختلف اندیشه‌های سرزمین هند (به‌خصوص تأمل در ادیان و شاخه‌های گوناگون عرفان هندی) و فرهنگ عرفانی ایرانی-اسلامی و در نهایت عرفان تطبیقی است که انعکاس دقیق آن را می‌شود در کتاب‌های «ادیان و مکاتب فلسفی در هند» و رساله دکترای او تحت عنوان «آیین هندو و فلسفه اسلامی» یا «هندوئیسم و تصوف» ملاحظه کرد.

کتاب‌هایی که وی در این دوره می‌نویسد در مجموع خصلت دایره‌المعارفی دارند و از هرگونه مواجهه مستقیم با رویدادهای فرهنگی اجتماعی بری هستند و در کل در چارچوب متافیزیکی صرف و فارغ از تجزیه و تحلیل نوشته شده‌اند. بنابراین «هند شناسی» نخستین دغدغه و علاقه جدی شایگان در کل دوران مختلف فکری او بوده است. نخستین مشوق او به مطالعه در این زمینه، ژان هربر استاد دانشگاه ژنو بود و از آن‌پس شایگان به آموختن جدی زبان سانسکریت و مطالعه متون مقدس هند مشغول شد. در واقع سه چیز از همان ابتدا باعث علاقه بیشتر شایگان نسبت به فرهنگ و جامعه هندی شد؛ یکی اینکه این جامعه بیش از همه به یک موزه زنده شباهت دارد که به قول شایگان هند ترکیبی از دین، فلسفه و زندگی است و نکته دوم در تداوم فکری و تجربیات زیستی خاص و شگفت‌انگیز این جامعه نهفته است به طوری که می‌توان گفت که ما حدود ۳۰۰۰ سال تفکر مداوم و یک‌سری مناسک و شعائر (مثل قرائت یکسری سرودها و تفاسیر) را می‌توانیم در این جامعه به خوبی ملاحظه کنیم و نکته دیگر اینکه در جامعه هند، در آن واحد، تمامی سطوح آگاهی در حال هم‌زیستی با یکدیگر هستند. هم‌چنین وجود خصلت چند فرهنگی و دارا بودن خصلت مداراجویانه در زمره دیگر خصوصیات بودند که در دوران بعدی توجه شایگان را بار دیگر نسبت به این جامعه جلب کرد.

شایگان در این دوران شیفته فرهنگ شرقی است و این شیفتگی تا سال‌های پایانی دهه ۱۳۵۰ در آثار وی به چشم می‌خورد. وی در تقدیس سنت‌های شرقی تا آنجا پیش می‌رود که ادعا می‌کند، آنچه را در مشرق زمین فقدان تحرک تاریخی، رکود فرهنگی و گذشته پرستی می‌نامند در اصل وفاداری کامل به خاطره ازلی بوده است (شایگان، ۱۳۵۵: ۵۴). شایگان در این دوران از مطالعات

## جایگاه سنت و مدرنیته در آثار و اندیشه داریوش شایگان قبل از انقلاب اسلامی ایران

مرتبط با هند شناسی به سمت عرفان تطبیقی گرایش پیدا می‌کند و در راستای آن پس از آشنایی با هانری کربن (یکی از مؤثرترین اندیشمندان در دوران نخست حیات فکری شایگان) با بسیاری از علمای عرفان گرای ایرانی چون علامه طباطبایی، سید جلال آشتیانی و حکیم الهی قمشه‌ای آشنا می‌گردد و به خاطر مراودات مداوم با آن‌ها به صورت نسبتاً خوبی با مبانی نظری و عملی عرفان اسلامی و تفکر شیعی، آشنا می‌شود. شایگان در کتاب مشهوری که درباره کربن نوشته، از لبخند رضایت کربن به مناسبت همدلی و داشتن منشأ مشترک در گفت‌وگویش با علامه طباطبایی یاد کرده است (شایگان، ۱۳۷۳: ۴۴).

### ۶- دوران نبوغ شایگان در فلسفه

تعلق شایگان به حلقه پیرامون کربن، چنان بود که دو سال پیش از انقلاب او را مردی با چراغ جادو نامید و پس از انقلاب از او چو پیری سخن گفت که سرآغاز جنبش معنوی برای پل زدن میان ایران سنتی و تجدّد بود (شایگان، ۱۳۷۳: ۳۹). شایگان در سال ۱۳۴۶ برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری در دانشگاه سوربن راهی فرانسه می‌شود و از آن سال به بعد دیگر هر سال چندین بار به اروپا می‌رود. مدرک دکتری خود را با رساله‌ای در موضوع هندوئیسم و تصوف دریافت می‌کند و پس از آن برای تدریس فلسفه تطبیقی در دانشگاه تهران مشغول به کار می‌شود (شایگان، ۱۳۷۴: ۴۶). او دو سال قبل از پایان تحصیلاتش در ژنو و بازگشت به ایران، با «فریده زندیه» ازدواج می‌کند. این بانوی ایرانی در آن ایام در ژنو زیبایی‌شناسی می‌خواند. شایگان سه فرزند به نام‌های «رکسانا»، «ترانه» و «محمد رحیم» دارد که نخستین فرزند او در سوئیس به دنیا آمد.

داریوش شایگان رابطه فکری نزدیکی با احمد فردید داشت و اغلب در محافل موسوم به فردیدیه که در منزل «امیرحسین جهانگل» برگزار می‌شد حضور داشت. او در دهه پنجاه خورشیدی، کتاب «آسیا در برابر غرب» را نوشت که حاصل آشنایی او با محیط‌های روشنفکری ایران و دیدارهای منظم او با هنرمندان و نویسندگان مطرح ایرانی بود و شاید بتوان ادعا کرد که روایت شایگان از برساختن هویتی آسیایی در برابر غرب در ادامه تأملات فردید در نقد غرب بود که او را به این نتیجه رسانده بود. وی همچنین در طول سال‌های پژوهش خود با روحانیون سرشناسی همچون «سید محمدحسین طباطبایی»، «ابوالحسن رفیعی قزوینی»، «مهدی الهی قمشه‌ای» و «سید جلال‌الدین

آشتیانی» مروده داشته است. شایگان به علامه طباطبایی احساس ارادت و احترامی سرشار از عشق و تفاهم داشت و اذعان می‌کند که سواى احاطه وسیع او بر تمامی گستره فرهنگ اسلامی آن خصلت او که مرا سخت تکان داد، گشادگی و آمادگی او برای پذیرش بود. به همه حرفی گوش می‌داد، کنجکاو بود و نسبت به جهان‌های دیگر معرفت حساسیت و هشجاری بسیار داشت. با شکیبایی و حوصله و روشنی بسیار به توضیح و تشریح همه چیز می‌پرداخت. فرزانیگی اش را جرعه جرعه به انسان منتقل می‌کرد. چنان که در دراز مدت نوعی استحواله در درون شخص به وجود می‌آورد.» (شایگان، ۱۳۷۴: ۷۰).

## ۷- دوران روشنفکری داریوش شایگان

دوران روشنفکری شایگان از حدود اواخر دهه ۱۳۴۰ و اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی آغاز می‌شود که البته محصول نهایی این دوره با نگارش دو کتاب «بتهای ذهنی و خاطرات ازلی» و سپس معروف‌ترین کتاب او در دوران پیش از انقلاب یعنی «آسیا در برابر غرب» نمود پیدا می‌کند. شایگان در این دوره از آن حالت ایزوله و انزواگرایانه خود و معاشرت محدود خود با برخی علما و اهالی فرهنگ خارج شده و ارتباط نسبتاً گسترده‌ای را با بسیاری از محافل روشنفکری و افراد مشهور منتسب با این جریان پیدا می‌کند. در این دوران او نه تنها در مجلاتی چون فرهنگ و زندگی و الفبا (به سردبیری غلامحسین ساعدی) مطالبی را می‌نویسد، بلکه حتی در برخی مراکز فرهنگی وابسته به حکومت سابق مانند مرکز مطالعات تمدن‌ها به کار مشغول می‌شود. در این دوران بنیان‌های اندیشه شایگان بیشتر تحت تأثیر برخی متفکران منتقد مدرنیته غربی مانند نیچه، هایدگر، یاسپرس، پل تیلیش، رنه گنون، خوزه اورنگای گاست و کارل گوستاو یونگ قرار می‌گیرد. شایگان در ابتدا با الهام از آموزه‌های مدرن ستیزانه هایدگر به دریافت گریز از شرق روی می‌کند و سپس بر مبنای این اصول و آموخته‌هایش از هندشناسی راه‌حل خاصی با تکیه بر نقش معنویت باستانی و اشراق سنتی در شرایط فعلی فرهنگ جهانی عرضه داشته است» (حق‌دار، ۱۳۸۵: ۱۵).

مباحثات یا مذاکرات علامه سید محمدحسین طباطبایی و هانری کربن، از سال ۱۳۳۸ در منزل احمد ذوالمجد طباطبایی حقوق‌دان و وکیل دادگستری در خیابان «بهار» تهران آغاز شد، هانری کربن هر سال چهار یا پنج ماه را برای تحقیقاتش به ایران می‌آمد. در آن ایام هر دو هفته یک‌بار در

### جایگاه سنت و مدرنیته در آثار و اندیشه داریوش شایگان قبل از انقلاب اسلامی ایران

تهران جلسه‌ای تشکیل می‌شد که مرحوم علامه طباطبایی از قم به تهران می‌آمد و با ایشان گفت‌وگو می‌کردند. البته در آن جلسه تنها مرحوم علامه و هانری کربن نبودند، بلکه بعضی اساتید دانشگاه نیز حضور داشتند (ابراهیمی دینانی، ۱۳۸۱) و محصول آن مذاکرات، به عنوان سالنامه «مکتب تشیع» در سال ۱۳۳۹ انتشار یافت و مورد استقبال وسیعی قرار گرفت.

این آشنایی البته اثر خود را در نگارش برخی کتاب‌های شایگان در دوران بعدی چون «بت‌های ذهنی و خاطرات ازلی» و «هانری کربن: آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی» نیز باقی می‌گذارد. شایگان خود درباره تأثیر علامه بر تحولات روحی و فکری وی می‌گوید: «فرزانگی‌اش را جرعه‌جرعه به انسان منتقل می‌کرد. چنان‌که در درازمدت نوعی استحاله در درون شخص به وجود می‌آورد (شایگان، ۱۳۷۶: ۲۴).

### ۸- رویکرد فلسفی شایگان

رویکرد فلسفی شایگان به هیچ وجه همانند اصحاب ایدئولوژیک آن زمان ایران نسخه چینی نمی‌کند و ندای بازگشت به فرهنگ اصیل شرقی را سر نمی‌دهد، بلکه تلویحاً مسأله را بیان می‌کند. او در بخش‌هایی از همین کتاب «آسیا در برابر غرب» بسیاری از ویژگی‌های تفکر شرقی مانند نداشتن رویکرد بافاصله از امور و فقدان نگاه انتقادی را مورد سرزنش قرار می‌دهد و بسیاری از دستاوردهای مدرنیته مانند، داشتن رویکرد انتقادی و تثبیت حکومت قانون، اصل مسئولیت مدنی، آزادی و حقوق فردی را ارج می‌نهد و حتی در فصل پایانی این کتاب خوانندگان را از افتادن در دام چاله شرق‌گرایی (به قول خودش) بر حذر می‌دارد (شایگان، ۱۳۵۶: ۹۳). شایگان خود را به لحاظ روان‌شناختی شرقی می‌داند و می‌گوید «تمام ضرب‌آهنگ روحیاتش» پیرو نظام عاطفی شرق است؛ اما در کار و تفکر غربی است. شیوه برخوردش با مسائل، فاصله‌ای که از چیزها می‌گیرد، شیوه خون‌سردانه‌اش در پرداختن به موضوعات دیگر با آن بافت و ماهیت شرقی سازگار نیست. او این حالت را «دوپارگی شخصیت» توصیف می‌کند و معتقد است که توانسته آن را رام و نرم کند (شایگان، ۱۳۷۴: ۴۷) روی دیگر سکه شرق‌شناسی و معنویت‌گرایی شرقی شایگان نوعی غرب‌ستیزی است که با رویکردی دوگانه انگارانه از تقابل شرق (آسیا) با غرب (تجدد) مطرح می‌شود.

## ۹- آثار داریوش شایگان

کتاب «بت‌های ذهنی و خاطرات ازلی» او در حد میانه‌ای از رویکرد اجتماعی و اسطوره‌شناسی قرار دارد و کماکان نگاه متافیزیکی و شهودی منبعث از عرفان و تفکر سنتی ایران و هند (با تأثیرات فراوان از رویکرد اسطوره‌گرایی کارل گوستاو یونگ) در آن مشهود است. ولی آن کتابی که رویکرد دقیق‌تر شایگان را که دوران تفکر نیمه سنتی و نیمه مدرن یا نیمه شرقی، نیمه غربی اوست در دهه ۱۳۵۰ به ما نشان می‌دهد، کتاب مشهور و برجسته «آسیا در برابر غرب» است. شایگان در این کتاب تلاش کرده که نگاه معتدل خود را در زمینه‌های مختلف نشان دهد و سعی می‌کند، فارغ از تعصب‌های حاکم و متعارف جامعه روشنفکری آن روز ایران و حتی جهان، شرق و غرب را بررسی کند و به خصوص با رویکردی فلسفی و متافیزیکی، نقاط افتراق این دو نظام فکری را به خوانندگان نشان می‌دهد؛ اما رویکرد غالب او در این کتاب از نگاهی رمانتیک و عاطفی به جامعه شرقی حکایت دارد به طوری که در مجموع نتیجه عملی تفکرات غربی را افتادن در دام نیهیلیسم می‌داند و برآیند تفکرات شرقی را سرشار از معنویت و عرفان‌گرایی قلمداد می‌کند و می‌توان به صورت کلی گفت که پروژه اصلی شایگان در این کتاب ایده «بازگشت به اصالت‌های تفکر شرقی» و بیان راه حل آسیایی است. شایگان در کتاب «آسیا در برابر غرب» و «بت‌های ذهنی و خاطره ازلی» در قامت یک سنت‌گرای شرقی، به تبیین میراث جهان شرق می‌پردازد و به نقد مدرنیته روی می‌آورد و همانند نیچه و هایدگر، غرب را در ذیل نیهیلیسم تقلیل می‌دهد. شایگان سیر حرکت در تمدن مدرن غربی را نزولی می‌داند و به باور وی از زیر به زیر، از عقل به غریزه، از تفکر شهودی به جهان‌بینی تکنیکی، از غایت‌گرایی معاد به تاریخ پرستی و از جلوه مطلق بودن به سوی فزون‌خواهی در برابر خدا و طبیعت تلقی می‌کند (شایگان، ۱۳۵۶: ۲۰).

## ۱۰- رویکرد شایگان در تقابل با شرق و غرب

شایگان سعی کرده با رویکرد فلسفی به تقابل شرق و غرب بپردازد و برخلاف آل احمد از تقابل سیاسی پرهیز کند. به عنوان مثال، شایگان از «رابطه گشوده به طبیعت» (شرق) در برابر «سلطه تکنولوژیک بر طبیعت» (غرب) دفاع می‌کند. رویکرد شایگان به فرید نزدیک است نه آل احمد و لذا می‌توان اندیشه شایگان و فرید را دغدغه فیلسوفانی دانست که به جامعه خویش از تمام زوایا

### جایگاه سنت و مدرنیته در آثار و اندیشه داریوش شایگان قبل از انقلاب اسلامی ایران

نگاه می‌اندازد و موشکافانه آن را در راستای یافتن مسیری نو بررسی می‌کند، نه آنکه از روی احساس و بد فهمی خویش، مورد انتقاد قرار دهد. شایگان مفهوم غرب‌زدگی را از فرید و آل احمد وام می‌گیرد. غرب‌زده در نگاه فلسفی شایگان کسی نیست که به صفات و خصوصیات غربی، مشتبّه شده باشد، بلکه کسی است که اصولاً شناختی از مفاهیم غربی ندارد. همچنین شایگان در این دوره به سیاق احمد فرید، فرهنگ و تمدن غرب را یک کلیت تجزیه‌ناپذیری قلمداد می‌کند که نمی‌توان قسمتی از آن (مثلاً تکنیک، صنعت و روش‌های اقتصادی) را مورد استفاده قرارداد و از بخش دیگر آن مانند جهان‌بینی و نظام ارزشی صرف نظر کرد. شایگان از غرب‌زدگی و بیگانگی از خود می‌پردازد و آن‌ها را دو وجه توهم مضاعف می‌داند. او می‌گوید که غرب‌زدگی حاصل تقدیر تاریخ و روح زمانه است و ناشی از شناسایی غرب نیست، بلکه ناشی از ناآگاهی از تقدیر تاریخی غرب و به عبارت دیگر حاصل جهل درباره آن است. به زعم وی این پیده‌وجه دیگری از همان ناآگاهی به تقدیر تاریخی غرب است. غرب‌زدگی یعنی جهل نسبت به غرب، یعنی نشناختن عناصر غالب تفکری که مآلاً غالب‌ترین و تهاجمی‌ترین شیوه جهان‌بینی روی زمین است (شایگان، ۱۳۵۶: ۵۹). شایگان معتقد است از آثار بروز غرب‌زدگی جمعی در آسیا می‌توان به تأثیرات آن در ناسیونالیسم و قیام توده‌ها اشاره کرد. شایگان در بحث مرز و فاصله از حریم و حیا می‌نویسد. از نظر او جوهر سازنده آداب آسیایی را می‌توان در این دو مفهوم پیدا کرد. حریم عامل مؤثر ایجاد هماهنگی است و آداب آسیایی خواهان هماهنگی بوده است. حیا احساسی آمیخته با حالت راز است اما ضمن پوشش بازمی‌نمایند. نقش ما مضاعف است زیرا نه فقط باید تفکر غربی را در متن خود آن فرهنگ بشناسیم بلکه باید مضامین خاطره قومی خویش را نیز که بقایای آن هنوز به نحوی در ذهنمان شناورند از نو بازشناسیم.

شایگان به پیروی از هایدگر باور داشت نیهیلیسم نتیجه منطقی تکنیک است. بازتاب نیهیلیستی تفکر تکنیکی بی‌شک به نفی تدریجی همه اعتقادات شرقی می‌انجامد. به باور شایگان، جانشین ساختن عقل به جای کشف و شهود از سوی فیلسوفان غربی، آنان را بر آن داشت که تمامی ارزش‌های متافیزیکی را نفی کنند. وی می‌گوید غرب از قرن شانزدهم میلادی که جامعه مدنی را جایگزین نظام مذهبی کرد امانت معنوی خود را از دست داده است (شایگان، ۱۳۵۶: ۷۳). نقد شایگان به مبانی نیست‌انگاران تمدن غربی به معنوی نفی قابلیت‌های این تمدن نیست و او فرهنگ

غرب را پر تحرك‌ترین، نوآورترین و تراژیک‌ترین فرهنگ کره زمین می‌داند (شایگان، ۱۳۷۴: ۳۷). شایگان خودش سال‌ها بعد در کتاب زیر آسمان‌های جهان ابراز می‌کند که ایراد اساسی کتاب آسیا در برابر غرب نقد جوامع شرقی آلوده به مظاهر غرب‌زدگی از طریق نتیجه‌گیری پیشاپیش است. یعنی اینکه او در این کتاب در مورد جامعه در حال پیشرفتی مانند ایران و کشورهای آسیایی نوعی نقد دقیق و پیشرفته‌ای را بکار بسته بود که برای طرح تضادها و تناقض‌های جوامع پس از صنعتی به وجود آمده است (شایگان، ۱۳۷۴: ۱۵۲).

### نتیجه‌گیری

در قرن معاصر، تفکرات متفاوتی در عرصه فرهنگ مردم ایران اثرگذار بودند. عمده دسته‌بندی‌های متفکرین پس از مشروطه در نسبت آن‌ها با غرب و مدرنیته بود. داریوش شایگان از نظریه‌پردازان مهم و به نام که به قول خودش متفکری آزاد در زمینه پیوندها و ارتباطات میان اندیشه‌های شرقی به خصوص هویت ایرانی و مفاهیم غربی بود. آثارش هم به زبان فارسی و هم به زبان فرانسه از کتاب‌های مهم در زمینه فلسفه شرق و غرب و همچنین ادبیات به شمار می‌رود که در فرهنگ‌های مختلف غور و سیر و سلوک کرده است و به همین دلیل اصولاً نظام فکری‌اش چند لایه، چهل تکه و برآمده از رشته‌های مختلف علوم انسانی و بعضاً علوم طبیعی است و کمتر خصلتی ایدئولوژیک و تک بعدی دارد که انعکاس دقیق و واضح آن را می‌توانیم در یکی از مهم‌ترین کتاب‌های او یعنی «افسون زدگی جدید» ملاحظه کنیم. وی با نگارش «بت‌های ذهنی و خاطره‌ازلی» و «آسیا در برابر غرب» از مواجهه شرق با غرب سخن گفت. مباحثی همچون سنت و مدرنیته در شرق و غرب و تاثیر مدرنیته بر ایران از منظر داریوش شایگان از اولویت‌های فکری وی در طول سالیان سال بوده و سعی کرده فلسفه غربی را از تمدن‌های آسیایی جدا کند. چراکه از منظر وی فلسفه و تفکر آسیایی عرفانی است و بر اساس وحی و رستگاری ایجاد شده در حالی که تفکر و فلسفه غرب با دنیوی کردن همه امور و دانش‌ها سرو کار دارد. شایگان نیهیلیسم را تقدیر تفکر غربی دانسته است، اما به جوهر آن یعنی نفی ولایت الهی، اشاره‌ای نکرده و از دریافت این نکته بازمانده که تنها جایگزین نجات‌بخش از نیست‌انگاری، دین حقیقی، اصیل و کامل (اسلام) است. شایگان همچنین نیهیلیسم را «مهمان هولناک» می‌خواند و نگران آن است که این مهمان هولناک در میان ما



## جایگاه سنت و مدرنیته در آثار و اندیشه داریوش شایگان قبل از انقلاب اسلامی ایران

آشیانه کند در صورتیکه نیمی از آسیا، مقهور و مسحور آخرین حاصل نیهیلیسم غربی است. از طرفی وی در خصوص هویت ایران و فرهنگ ایران دل‌نگرانی و دل‌مشغولی و نگرانی داشت و همیشه در جستجو راه حل آن بود دارد. آن چیزی که حدود نیم قرن از فعالیت‌های فکری و فرهنگی از خود به جا گذاشت چیزی نیست جز همدلی میان فرهنگ‌ها و یک حس کنجکاوی درباره فرهنگ‌ها و ادیان مختلف بوده است. گفت‌وگو با نمایندگان مختلف که در آثارش نمود دارد، نمونه این همدلی و نزدیکی بین فرهنگ‌ها بود و اینکه شایگان شیفته آن چیزی بود که خودش به آن می‌گفت «همه جا بودگی» یعنی ایرانی بود ولی می‌کوشید جهان و تقدیر بشر را درک کند و همیشه در یک حوزه و رشته خاصی خود را محبوس نمی‌کرد و به دنبال بحث‌هایی میان فرهنگ‌های مختلف بود.

### منابع و مآخذ

- بروجردی، مهرزاد. (۱۳۷۷). *روشنفکران ایرانی و غرب*. ترجمه جمشید شیرازی، تهران، نشر فرزانه روز.
- حق‌دار، علی‌اصغر. (۱۳۸۵). *داریوش شایگان و بحران معنویت سنتی*. چاپ دوم، تهران، انتشارات کویر.
- شایگان، داریوش. (۱۳۵۵). *بت‌های ذهنی و خاطره ازلی*. تهران، انتشارات امیرکبیر.
- شایگان، داریوش. (۱۳۵۶). *آسیا در برابر غرب*. تهران، نشر فرزانه روز.
- شایگان، داریوش. (۱۳۹۷). *هانری کرین؛ آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی*. ترجمه باقر پرهام، تهران، نشر فرزانه روز.
- شایگان، داریوش. (۱۳۴۶). *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- شایگان، داریوش. (۱۳۷۴). *زیر آسمان‌های جهان (گفتگوی رامین جهاننگلو با داریوش شایگان)*. مترجم نازی عظیمی، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز.
- قرلسفلی، محمدتقی. (۱۳۹۶). *ایدئولوژی - داور قدرت، روشنفکران و سیاست در ایران*. تهران، انتشارات امید صبا.
- یونگ، کارل گوستاو. (۱۳۶۸). *چهار صورت مثالی*. ترجمه پروین فرامرزی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- صادق‌پور، محمدحسن. (۱۳۹۶). *آیا سنت و مدرنیته در تعارض ماهوی است؟*. وبگاه جوان آنلاین.

### نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

- قنبری، آیت. (۱۳۷۹). ایران و موج اول مدرنیته. فصلنامه علوم سیاسی، ۳ (۱۲)، ۱۱۵-۱۴۳.
- عابدی جعفری، رستگار و حسن، عباسعلی. (۱۳۸۶). تاملی بر معنویت با رویکرد اسلامی. دو فصلنامه علمی پژوهشی الگوی پیشرفت اسلامی ایران، ۲ (۳)، ۱۷۹-۲۰۰.
- جوادی، شهره. (۱۳۹۲). بازخوانی نظریه شرق شناسی "در جستجوی هویت شرقی". فصلنامه هنر و تمدن شرق، ۱ (۱)، ۳-۸.
- طباطبایی، سید جواد. (۱۳۸۱). عقل ایرانی اسیر توهم مضاعف. روزنامه ایران، سال هشتم، ش ۲۱۸۴.
- ارشاد، محمدرضا. (۱۳۹۹). جستجوی اندیشه کارانه در زندگی و آثار داریوش شایگان <https://www.dinonline.com/16039>
- ابراهیمی دینانی، غلامحسین. (۱۳۸۱). در سوال کردن آزاد بودم. ماهنامه پرسمان، شماره ۶، گفتگویی با غلامحسین ابراهیمی دینانی.
- Jung, Carl Gustav. (1960). The Archetype and the collective unconscious. New York: Princeton univ.